

جایگاه فقه حکومتی

در حکومت اسلامی

محقق: بهر بلائی

www.ketab.ir

سرشناسه : پیرالایی، محسن، ۱۳۶۴-  
 عنوان و نام بادبندآور : جایگاه فقه حکومتی در حکومت اسلامی / محسن پیرالایی.  
 مشخصات نشر : آمل : ترجمان نگار، ۱۴۰۳.  
 مشخصات ظاهری : ۱۷۵ص.  
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۳۶-۰۰۴۲-۲  
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
 موضوع : علوم سیاسی (فقه)  
 Political science (Islamic law)  
 حکم حکومتی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام  
 Act of state -- Religious aspects -- Islam  
 رده بندی کنگره : ۱۹۸BP / ۸۶  
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۳۲  
 شماره کتابشناسی ملی : ۹۷۸۷۵۰۶  
 اطلاعات رگورد کتابشناسی : فیبا

www.ketab.ir



نام کتاب : جایگاه فقه حکومتی در حکومت اسلامی

مؤلف : محسن پیرالایی

چاپ و صحافی :

نوبت چاپ: اول پاییز ۱۴۰۳

شمارگان : ۱۰۰

شابک: 978-622-424-042-2

قیمت : ۱۰۰۰۰۰ تومان

انتشارات ترجمان نگار

Tarjomegar.com

۰۲۱-۲۶۹۱۲۴۸۲

با ما در اینستا - واتس آپ - تلگرام : در ارتباط باشید

## فهرست

عنوان .....	صفحه
مقدمه .....	۱
فصل اول: مفاهیم و کلیات .....	۸
۱-۱: گفتار اول: مفاهیم .....	۹
۱-۱-۱: مفهوم فقه .....	۹
۱-۱-۲: مفهوم حکومت .....	۱۲
۱-۱-۳: مفهوم فقه حکومتی .....	۱۴
۱-۱-۴: مفهوم فقه سیاسی .....	۱۶
۱-۱-۵: مفهوم حکومت اسلامی .....	۱۸
۱-۱-۶: مفاهیم نگرش حداقلی و نگرش حداکثری .....	۲۰
۲-۱: گفتار دوم: کلیات مسئله .....	۲۲
۱-۲-۱: تمایز فقه حکومتی و فقه سیاسی .....	۲۲
۲-۲-۱: تمایز فقه حکومتی و فقه فردی .....	۲۳
۳-۲-۱: حکومت اسلامی و تفاوت آن با سایر حکومت‌ها .....	۲۶
۴-۲-۱: تبارشناسی نگرش حداقلی و حداکثری به دین .....	۲۹
فصل دوم: چیستی فقه حکومتی .....	۳۲
۱-۲: گفتار اول: موضوع فقه حکومتی .....	۳۳

- ۱-۱-۲: موضوع علم و تطبیق آن بر موضوع فقه حکومتی..... ۳۳
- ۲-۱-۲: تفاوت موضوعی فقه حکومتی با سایر رویکردهای فقهی..... ۳۶
- ۲-۲: گفتار دوم: منابع فقه حکومتی..... ۳۷
- ۱-۲-۲: کتاب..... ۳۹
- ۲-۲-۲: سنت..... ۴۰
- ۳-۲-۲: عقل..... ۴۲
- ۴-۲-۲: عرف..... ۴۵
- ۳-۲: گفتار سوم: روش‌شناسی فقه حکومتی..... ۵۰
- ۱-۳-۲: توانمندی‌های روش اجتهادی در فقه حکومتی..... ۵۲
- ۴-۲: گفتار چهارم: اهداف فقه حکومتی..... ۵۷
- ۱-۴-۲: اهداف غایی (تأمین سعادت بشر با تعالی و کمال معنوی انسان)..... ۵۷
- ۲-۴-۲: اهداف میانه..... ۵۹
- فصل سوم: نسبت و رابطه فقه حکومتی با حکومت اسلامی..... ۶۹
- ۱-۳: نسبت تراپطی و تکاملی..... ۷۱
- ۲-۳: نسبت تباین..... ۷۲
- ۱-۲-۳: ادله نسبت تباین میان فقه حکومتی و حکومت اسلامی..... ۷۴
- ۲-۲-۳: نقد و بررسی دیدگاه تباین میان فقه حکومتی با حکومت اسلامی..... ۷۷
- ۳-۳: نسبت تساوی..... ۸۰

- ۳-۴: نسبت عموم و خصوص من وجه..... ۸۱
- ۳-۵: نسبت عموم و خصوص مطلق..... ۸۳
- ۳-۵-۱: ادله مؤید نسبت عموم و خصوص مطلق میان فقه حکومتی و حکومت اسلامی..... ۸۵
- فصل چهارم: جایگاه فقه حکومتی در حکومت اسلامی، در نگرش حداقلی به فقه..... ۹۰
- ۴-۱: گفتار اول: ادله قائلین به فقه حداقلی..... ۹۳
- ۴-۱-۱: ادله عقلی..... ۹۳
- ۴-۱-۲: ادله نقلی..... ۱۰۲
- ۴-۲: گفتار دوم: پیامدهای نگرش حداقلی به فقه حکومتی..... ۱۱۳
- ۴-۲-۱: حذف فقه از دایره حاکمیت و اجتماع..... ۱۱۴
- ۴-۲-۲: مشروعیت بخشی حکومت توسط مردم..... ۱۱۵
- ۴-۲-۳: دین کامل و نه جامع..... ۱۱۶
- ۴-۲-۴: امکان فهم دین برای همگان با بهره گیری از روش‌شناسی‌های جدید..... ۱۱۷
- فصل پنجم: جایگاه فقه حکومتی در حکومت اسلامی، در نگرش حداکثری به فقه..... ۱۲۱
- ۵-۱: گفتار اول: ادله قائلین به فقه حداکثری..... ۱۲۴
- ۵-۱-۱: ادله عقلی..... ۱۲۵

- ۱۲۶..... ۲-۱-۵: ادله نقلی
- ۱۳۲..... ۲-۵: گفتار دوم: پیامدهای نگرش حداکثری به فقه حکومتی
- ۱۳۲..... ۱-۲-۵: ورود حداکثری فقه به دایره حاکمیت و اجتماع
- ۱۳۴..... ۲-۲-۵: التزام به مردمسالاری دینی
- ۱۳۶..... ۳-۲-۵: فهم دین با روش‌شناسی اجتهادی
- ۱۳۸..... ۴-۲-۵: نقش‌آفرینی و پویایی اجتهادی فقه
- ۱۴۲..... نتیجه‌گیری و پیشنهاد

## مقدمه

فقه حکومتی از مباحث مهم فلسفه فقه و فقه مترقی و پویا شمرده می‌شود و نگاهی کل‌نگر و مبتنی بر دیدگاه حداکثری از دین و فقه است و در علوم دیگری همچون علم کلام و جامعه‌شناسی و اخلاق می‌تواند ابعاد مختلف و جدیدی را به این علوم بگشاید و به‌نوعی جهش و ارتقا سطح دانشی به وجود آورد، اما در پژوهش حاضر سعی می‌شود از جنبه فقهی و جنبه حکومتی که به‌عنوان مقوله قدرت مطرح است، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

از جهت اینکه هر حکومتی به یک دستگاه حاکمیتی و نرم‌افزار تولیدکننده حکم نیاز دارد و یکی از انواع حکومت‌ها، حکومت اسلامی است، پس حکومت اسلامی نیز به یک نرم‌افزار و دستگاه حاکمیتی نیازمند است تا این خلأ معرفتی را در عرصه قدرت پر نماید و چون دستگاه حاکمیتی اسلام در مواجهه با مسائل حکومتی، باید حکم مناسب را از منابع اسلامی تولید کند، پس تنها دستگاه و نرم‌افزاری که می‌تواند این مهم را در عرصه کنش فردی و اجتماعی و حکومتی بر عهده بگیرد؛ فقه است که می‌توان از آن به فقه حکومتی یاد کرد که حدود و عرصه خاصی را در گستره قدرت و حکومت ساماندهی می‌نماید و چون فقه رایج در مواجهه با حکومت با کمبودها و نواقصی مواجه است پس وجود فقهی پویا در عرصه‌های مختلف را ضروری می‌نماید.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که فقه حکومتی در گستره و محدوده حکومت اسلامی چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد؟ در این مسئله با توجه به این سؤال؛ سعی می‌شود تا نسبت و جایگاه فقه حکومتی در حکومت اسلامی با پاسخ به سؤالات زیر مشخص شود: اولاً؛ فقه حکومتی چیست؟ (چیستی)، ثانیاً؛ نسبت و

رابطه فقه حکومتی با حکومت اسلامی چیست؟ (نسبت سنجی حقیقی)، ثالثاً؛ دیدگاه‌های مختلف درباره جایگاه فقه حکومتی در حکومت اسلامی کدام‌اند؟ (نسبت سنجی واقعی در قالب اقوال)

در سؤال اول سعی می‌شود ماهیت و چیستی فقه حکومتی از حیث موضوع و منابع و اهداف و روش‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد و در سؤال دوم سعی می‌شود نسبت فقه حکومتی با حکومت اسلامی از جهت نسبتی که بین فقه و حکومت است، بحث و بررسی گردد و در سؤال سوم نیز سعی می‌شود جایگاه فقه حکومتی در حکومت اسلامی از منظر دو دیدگاه حداقلی و حداکثری بررسی شود که دیدگاه حداقلی؛ جایگاه فقه را در حکومت مضیق و محدود و حداقل می‌داند و مشروعیت حکومت را از آن مردم دانسته و تکیه‌اش بر عقل است و قائل به کامل بودن فقه هست ولی قائل به جامع بودنش نیست، ولی دیدگاه حداکثری؛ جایگاه آن را وسیع و از گهواره تا گور می‌داند و مشروعیت حکومت را از خداوند متعال می‌داند و تکیه‌اش بر عقل و شرع است و فقه را کامل و جامع می‌داند و با توجه به پویایی و نو شوندگی فقه، پاسخگوی سوالات و حلال مشکلات جامعه و توانمند در رقابت با رقبا، است.

در اهمیت و ضرورت متغیرهای عنوان پژوهش که عبارت از فقه حکومتی و حکومت اسلامی است، می‌توان اذعان نمود که اگر ادعای قدرت و حکومت برای دین و اسلام حقیقتی داشته باشد و برای حکومت اسلامی بتوان جایگاهی قائل شد باید قانون و نرم افزار لازم را مهیا نمود که تدوین و ارائه دانش فقه حکومتی را به صورت کامل و جامع ضروری می‌نماید.

و اما ضرورت حل مسئله با عنوان جایگاه، اهمیت مسئله را دو چندان می‌کند به این صورت که؛ فقه حکومتی در مقام قریب به کنش و به عبارت کامل‌تر «دانش کنش»، از



حیث حدود و ثغور چه جایگاهی در حکومت اسلامی دارد؟ که اگر این مسئله حل شود گام بلندی در جهت حرکت به سوی فرآیند تمدن سازی اسلامی برداشته می شود و اگر دایره نفوذ فقه در حکومت تبیین شود و به یک نظریه جامع و کاملی در این زمینه رسیده شود و تکلیف حداکثری و حداقلی بودن فقه و دین در گستره قدرت مشخص شود می توان اظهار نظر قاطعی در زمینه جهش فرآیند سازی تمدنی نمود ولی اگر جایگاه فقه در حکومت مشخص نشود و اختلاف دو دیدگاه همچنان به وضعیت خود باقی بماند، دین و فقه به حاشیه و انزوا رانده شده و نرم افزارهای مدیریتی و نظام های غیردینی جای نظام دینی را خواهند گرفت.

نگارنده نسبت به خلأ دانش دینی در مسائل اجتماعی و حکومتی پرسش داشته و در قبال فرمایشات ولی امر مسلمین احساس تکلیف می نماید و سعی بر آن دارد تا برای پرسش های خود در جهت دین و حکومت دینی پاسخی بیابد و در راستای فرمایشات آن بزرگوار حرکت علمی داشته باشد که ایشان فرمودند:

« تشکیل نظام اسلامی که داعیه دار تحقق مقررات اسلامی در همه ی صحنه های زندگی است، وظیفه ای استثنائی و بی سابقه بر دوش حوزه ی علمیه نهاده است، و آن تحقیق و تنقیح همه ی مباحث فقهی ای است که تدوین مقررات اسلامی برای اداره ی هر یک از بدنه های نظام اسلامی بدان نیازمند است. فقه اسلام آنگاه که اداره ی زندگی فرد و جامعه - با آن گستردگی و پیچیدگی و تنوع - را مطمح نظر می سازد مباحثی تازه و کیفیتی ویژه می یابد، و این همان طور که نظام اسلامی را از نظر مقررات و جهت گیری های مورد نیازش، غنی می سازد، حوزه ی فقهت را نیز جامعیت و غنا می بخشد. روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام

الهی در همه‌ی شئون یک حکومت، و نظر به همه‌ی احکام فقهی با نگرش حکومتی - یعنی ملاحظه‌ی تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی - امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است که نظم علمی حوزه، امید برآمدن آن را زنده می‌دارد.<sup>۱</sup>

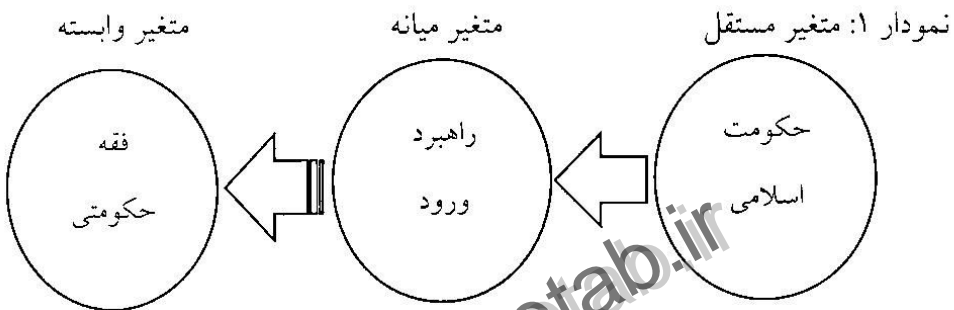
این مسئله از حیث ثبوتی با همه غفلت‌ها و عدم ابتلای آن در طول تاریخ تشیع و در نصوص و متون علمی، پیشینه قریب به متوسطی را در تاریخچه خود داراست، از جمله کتاب‌هایی که مرتبط با متغیرهای عنوان پژوهش در قرن اخیر تألیف شده؛ کتاب «ولایت فقیه» امام خمینی (ره) و کتاب «الاسلام یقود الحیاه» سید محمدباقر صدر، را می‌توان نام برد. ولی این پژوهش از حیث اثباتی و با عنوان «جایگاه» بین گزاره‌ها و متغیرهای مسئله، پیشینه کم‌مایه‌ای را داراست و در مورد اصل مسئله پیشینه قابل توجهی در متون علمای شیعه و محققان معاصر به چشم نمی‌خورد، و امتیاز علمی این پژوهش در همین جهت اثباتی آن است.

پیش از اینکه فرضیه‌های پژوهش را حدس بزنیم بهتر است نیم‌نگاهی به متغیرهای عنوان پژوهش داشته باشیم تا با توجه به مطالعات مقدماتی، بتوانیم به فرضیه‌های احتمالی و حدسی سؤال پژوهش دست پیدا کنیم.

در این پژوهش سه گونه متغیر داریم که نخستین متغیر، همان متغیر مستقل «حکومت اسلامی» است که به‌عنوان عامل اثرگذار و مؤثر بنیادی در این روند حضور دارد. دومین

۱ خامنه‌ای، سید علی، پیام به جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم؛ ۱۳۷۱/۸/۲۴

متغیر هم که بین متغیر مستقل و متغیر وابسته، نقش اثربخشی دارد، متغیر میانی «راهبرد ورود(حداقلی یا حداکثری) اسلام در سیاست» است. این متغیر علاوه بر اثری که متغیر مستقل بر متغیر وابسته دارد؛ به‌عنوان عامل تشدید کننده و مضاعف، متغیر وابسته را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب تنگ شدن بازه امکان در متغیر وابسته می‌شود و سومین متغیر در این پژوهش نیز، متغیر وابسته است که همان «جایگاه فقه حکومتی» می‌باشد.<sup>۱</sup>



با توجه به متغیرهای عنوان پژوهش و مطالعات مقدماتی می‌توان فرضیه‌های زیر را مطرح نمود:

۱. با مراجعه به نصوص دینی می‌توان به این نتیجه رسید که فقه و دین حداقلی پشتوانه علمی و منطقی ندارد و مخالف با منابع و آموزه‌های دینی است.
۲. با توجه به منابع و آموزه‌های دینی و نصوص اسلامی و فقهی، می‌توان اذعان نمود که جایگاه دین و فقه در مقام ثبوت و عالم حقیقت به‌صورت حداکثری با سیاست و حکومت جریان دارد و فقه حکومتی، نرم افزار حکومت اسلامی

۱. ر.ک: سنجایی، علی‌رضا، روش‌شناسی در علم سیاست و روابط بین‌الملل، صص ۱۰۳-

است و برای مکلف (اعم از فرد و جامعه) حکم تعیین می‌کند، از این منظر فقه حکومتی، در همه اجزای امور جامعه و تنظیم روابط میان شهروندان نقش بازی می‌کند و اختصاصی به باب عبادات ندارد و به صورت حداکثری بروز و ظهور دارد.

۳. جایگاه فقه در عالم واقع در عرصه حکومت هرچند به صورت حداکثری نیست ولی این جایگاه به صورت صعودی به جهت حداکثری در حال ارتقا است.

با توجه به عنوان پژوهش و دقت در متغیرها و ابهام‌زدایی از فقه حکومتی و اینکه فقه حکومتی به صورت حداکثری ظهور دارد می‌توان اهداف و فواید زیر را برای مسئله مطرح نمود:

۱. مشخص نمودن جایگاه و نسبت دانش دینی (فقه حکومتی) در عرصه قدرت (حکومت اسلامی)
۲. کارآمدی فقه حکومتی در تمام زمان‌ها و اعصار با توجه به ویژگی پویایی و دینامیزی فقه
۳. قابلیت‌های کشف نشده فقه در زمینه‌های مختلف اعم از فردی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی
۴. نقش راهبردی و مهندسی در حکومت اسلامی توسط فقه حکومتی
۵. نگاه اثبات‌گرایانه بین متغیرهای عنوان (علاوه بر نگاه ثبوت‌گرایانه)
۶. توجه به غفلت شدید در این مسئله به خاطر عدم ابتلا آن در اعصار مختلف تاریخ شیعه

با توجه به این که این پژوهش، مسیری را طی می‌کند که از فهم حقیقتِ نصِّ محور شروع می‌شود و با تطبیق منابع و آموزه‌های دینی بر واقعیتِ فقه محور به پایان می‌رسد، طبیعی است روشی که در ابتدای این روند از آن بهره برده می‌شود، روش استنباطی است<sup>۱</sup> که شامل روش‌های پژوهشی عقلی برهانی و نقلی وحیانی و نقلی تاریخی می‌شود.

با عنایت به این که مبحث حکومت اسلامی و به‌خصوص مبحث فقه حکومتی یکی از مباحث جدید الحدوث عصر حاضر هستند پس باید از مقالات و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های متفکران و پژوهشگران مربوطه حداکثر استفاده را نمود، تا خلأ علمی و ادبیاتی با این روش پر شود، بنابراین روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر به صورت اسناد نوشتاری و سامانه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای علمی است.

به لحاظ اینکه روش تحقیق کلان پژوهش حاضر، روش استنباطی است پس بدیهی می‌نماید که روش داده‌پردازی آن به صورت توصیفی و تحلیلی باشد.

با توجه به عنوان پژوهش که درصدد روشن ساختن جایگاه فقه حکومتی در حکومت اسلامی است، فصل اول به مفاهیم و کلیات اختصاص داده شده است و فصل دوم به چیستی فقه حکومتی پرداخته است و فصل سوم به جایگاه احتمالی فقه حکومتی در حکومت اسلامی در مقام ثبوت اختصاص داده شده است و فصل چهارم و پنجم نیز به جایگاه آن در مقام واقع به صورت تبیین نظریه‌های این حوزه، تخصیص داده شده است.